



وصیت‌نامه

شهید سید عبد الحمید حسینی

نام پدر: فرج الله

تاریخ ولادت: ۱۳۴۰/۹/۱

محل ولادت: دشتستان -

روستای راهدار

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱/۲۰

محل دفن: دشتستان -

روستای راهدار

مکان شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

اول آذر سال ۱۳۴۰، در یکی از روستاهای تابعه دشتی (کاکي) در خانواده‌ای از سلسله جلیله سادات، فرزندی وارسته متولد شد و در سن ۶ سالگی به همراهی خانواده گرامیشان به برازجان عزیمت نمودند. در همین بحبوحه بود که جهت فراگیری علم و دانش پا به مدرسه گذاشت و تا سال سوم ابتدایی به تحصیل اشتغال ورزید، اما از آنجا که فقر و تنگدستی سخت بر آنان فشار می‌آورد، لذا از ادامه تحصیل محروم شد. شهید در سن ۱۵ سالگی بود که مادرش را از دست داد و از زندگی در کنار مادر ارجمند بی‌بهره گشت.

به دلیل علاقه سرشاری که نسبت به کسب علوم و معارف دینی داشت، مدت چهار سال نیز مقدمات را نزد عموی بزرگوار خود سپری نمود و در همین اوان با دختر عموی خود ازدواج کرد، که ثمره آن یک فرزند پسر و یک دختر می‌باشد. سپس جهت ادامه تحصیل علوم دینی در سال ۱۳۶۳ راهی شیراز گردید و در یکی از حوزه‌های علمیه شیراز ادامه تحصیل داد.

شهید حسینی، با توجه به علاقه زایدالوصفی که نسبت به حضور در میادین نبرد داشت در حین تحصیلات خود، ده بار رهسپار جبهه‌های نور علیه ظلمت گردید و در کنار دیگر رزمندگان پیروز اسلام، دلاوری‌های بی‌نظیری از خود به جا گذاشت. وی فردی بود فروتن، متواضع و دارای چهره‌ای مظلوم و بی‌پیرایه، که حاکی از اخلاص و ایمان او بود و اولین ارزش‌های گرانقدر را از جد بزرگوار و گرانقدرش رسول خدا حضرت محمد (ص) به ارث برده بود، که اینان همه از تبار خانه گلین و محقر فاطمه‌اند و بالاخره در راستای دین رسول خدا جان باخته و در مورخه ۱۳۶۶/۱/۲۰ در منطقه عملیاتی شلمچه به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

متن وصیت نامه

بسمه تعالی

ان الله اشترى من المؤمنين باموالهم و انفسهم بان لهم الجنة

در این مقطع حساس، که استکبار جهانی و ایادی استعمار، کمر همت به نابودی احکام پر فروغ اسلام بسته‌اند و جبهه اسلام علیه کفر نیاز به نیرو دارد، حقیر هم ندای خروشان تر از دریای امام امت را پاسخ داده و لبیک گویان ندای هل من ناصر ینصرنی اباعبدالله را، که از حلقوم و نای فرزندش امام خمینی طنین انداز است، جواب گفته و به آرزوی همیشگی خود که بارها می‌گفتم یا اباعبدالله و یا لیتنا کنا معکم فافوز فوزا عظیما با توفیقات باری تعالی رسیدم. از خدای خود تقاضا دارم که عمر ما را به خیر و خوبی ختم بفرماید و ما را در راه خودش و راه کسانی که نعمت شهادت و تمام نعمت‌های الهی بخشیده است، قرار دهد و دل ما را به نور ایمان و معرفتش مملو گرداند.

شرکت در جبهه و جهاد در راه حق، در این زمان بسیار برای ما مردم مسلمان، جای خوش و سلامت و جایی برای آموزش و معرفت الهی است، که تمام مردم از پیر و جوان و کودک ۱۳ ساله، از شوق شرکت در جبهه و جهاد گریانند. این حالت عرفانی جبهه و این وضع معنوی جبهه باید حفظ شود و توسط جوانان و پیرمردان مظلوم پر گردد. از مردم همیشه در صحنه تقاضا دارم، که همچنان که تا به حال در تمام صحنه‌های انقلاب حاضر بوده و در هرجا ایثار و فداکاری را به حد اعلا رسانده‌اند، نیز چنین حالتی را به خوبی با تاییدات و توفیقات خداوند حفظ کنند و تقاضا دارم که تا آخرین لحظه، دست از یاری امام و انقلاب و اسلام برنداشته و در همه اعمال تقوا را حفظ کنند. از همه برادران مومن التماس دعا دارم.

اینجانب سید عبدالحمید حسینی، فرزند سید فرج، ساکن برازجان وصیت می‌کنم که مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان از بانک مسکن وام گرفته‌ام و مبلغ دو هزار تومان از عمویم سید سیف‌الله گرفته‌ام و بدهکارم و از وارثین خودم تقاضا دارم که یک سال نماز و روزه بدهکارم که خواهشمند است انجام دهید.

سید عبدالحمید حسینی ۶۳/۱/۱۷